

بی ثباتی بازارهای مالی و جایگاه بانک مرکزی در مقابله با بحران‌های مالی

چکیده

طبق فرضیه بازارهای کارای مالی کلاسیک‌ها، بازار مالی همواره در تعادل است. بی‌ثباتی‌های متعدد بازارهای مالی طی سال‌های اخیر و وقوع بحران بزرگ مالی ۲۰۰۸ نتایج این فرضیه را زیر سؤال برد. با پذیرش فرضیه‌های رقیب، مانند فرضیه بازارهای مالی شکننده مینسکی، نقش بانک‌های مرکزی به‌عنوان نهادهای برقرارکننده ثبات مالی اهمیت بیشتری می‌یابد. طی دوران بحران مالی بانک مرکزی دو نقش کنترل بحران در کوتاه مدت و برقراری ثبات بلندمدت در بازارهای مالی را بر عهده دارد که به نظر تحقق این دو به‌صورت همزمان با یکدیگر تضاد دارند. در این مقاله ابتدا ضمن اشاره به ساختار مالی جدید شکل گرفته و نهادهایی که منجر به افزایش ریسک نظام‌یافته بازارهای مالی و ایجاد بی‌ثباتی مالی اخیر شده، با مقایسه رویکرد بانک‌های مرکزی ایالات متحد آمریکا، اتحادیه اروپا و انگلستان در مواجهه با بحران مالی اخیر به تحلیل سیاست‌های بهینه بانک‌های مرکزی در مقابله با بروز بحران‌های مالی و ابزار سیاستی رفع بحران‌های مالی پرداخته‌ایم. نتایج حاصل نشان می‌دهد به‌علت سرعت و شدت اعمال سیاست‌های پولی از سوی فدرال رزرو با هدف کنترل سریع بحران مالی، این بانک ضعیف‌ترین عملکرد را در برقراری ثبات مالی بلندمدت داشته است. از سوی دیگر، با توجه به عملکرد کند بانک مرکزی انگلستان در آغاز دوران بحران، این بانک نیز ضعیف‌ترین عملکرد را در مدیریت سریع بحران داشته و بانک مرکزی اروپا با توجه به ساختار به شدت مستقل و تعهد شدید خود به حفظ ثبات قیمتی در مجموع عملکرد مطلوبی داشته است. در مجموع، تدوین برنامه‌هایی جهت آماده‌سازی اقتصاد در هنگام رویارویی با بحران‌های مالی می‌تواند منجر به کاهش تضادهای سیاستی کوتاه مدت و بلندمدت شده، مقبولیت بانک مرکزی را افزایش داده و زمینه کاهش تعداد، شدت و مدت زمان وقوع بحران‌های مالی را فراهم آورد.

کلمات کلیدی: بحران مالی، سیاست‌های بخش مالی و قوانین، سیاست‌های پولی

E۵۲,G۳۸,G۰۱:JEL